

## شیخ بهائی

### [۳]

شیخ علاوه بر علوم متداول و رسمی و تخصص در آنها در سیر و سلوک رهروی کامل بوده و خصوصاً پس از رسیدن بمناسب رسمی که تشنگی باطن مردی وارسته را نمی‌نشانند ترك تمام علائق گفته و پای در راه طریقت گذارده و برای درك صاحبظری بهر دیار روی آورده و از خرمن اقبال بزرگان خوشه‌ها چیده و بفیض معنویت حرم شریف و مدفن پاك رسول اکرم (ص) نائل آمده . و در بیشتر سفرها تنها طی طریق میکرده خود گوید .

سالها شد که روی بر دیوار      دل بر آرم بگرد شهر و دیار

تا بیابم نشان آدمئی      کآیدازوی نسیم محرمتی (کشکول)

از حسن اتفاق سلاطین معاصر نیز از معنویت بی‌بهره نبودند چنانکه شاه طهماسب (خود فاضل و شاعر بوده و در ترویج مذهب شیعه سعی بلیغ داشت و علماء و فضلاء را باحترام تمام مینگریست (۱)

جامعیت علمی شیخ :

شاه خدابنده پادشاهی درویش مسلک و از علم و فضل بی بهره نبود .

اما شاه عباس که بیشتر دوران شهرت شیخ در عصر وی و قهرا بملازمت او بوده (۲) خود مجذوب عالم معنی و درعین پادشاهی سالک فقر و فنا بوده. سفر پیاده وی از اصفهان بمشهد و نیز سفر دیگری پیاده از شهر طوس بیابوس شمس الشموس (ع) نموداری از خلوص نیت و حسن طویت این پادشاه است .

۱ - از منقول تا افشار ۲- در زندگانی شاه عباس (ج ۳ ص ۲۶) چنین آمده : برخی از علمای بزرگ مانند شیخ بهاءالدین محمد عاملی در سفر و حضر با او همراه و همشین بودند . در جای دیگر مینویسد شاه عباس باو علاقه و توجه خاصی داشت بطوریکه هر وقت فرصتی می‌یافت بخانه وی میرفت و از صحبتش استفاده میکرد .

چنانکه هنگام توقف در شهر مشهد که محادف ماه رمضان بوده است (از سر شب تا صبح بخدمت آستان قدس رضوی میبرداخته) (۱)

باری مذاق و مشرب شیخ از مطاوی کتاب کشکول بخوبی پیداست شیخ در این کتاب علوم رسمی را قیل و قال دانسته و تمنای ذوق وصال میکند. و از فلسفه یونان (با دانائی بدان مکرر انتقاد نموده) (۲) با اینهمه شیخ در ریاضی (حساب و هندسه و هیئت) بهره وافی داشته و در این فنون کتبی نگاشته و حتی در اسطرلاب که آترمان وسیله تشخیص عرض و طول بلاد و یگانه مشخص قبله محسوب میشده حظ کافی داشته است و دو کتاب بفارسی و عربی در این باره نوشته و در فن معما و لغز استادی ماهر بوده و نمونه ای از الغاز وی در کشکول ذکر شده. و بالاخره در علوم غریبه سررشته داشته و حتی در این باب حکایاتی از وی نقل شده (۳).

در روزات پس از نقل نمایش عجیبی که شیخ در حضور سفیر عثمانی و بخواهش شاه عباس صورت داده اضافه میکند که شیخ در مقابل استعجاب شاه و سفیر از این عمل با کمال بی اعتنائی اطلاع بر این علوم را صرف تصادف و برخورد در حلقه شعبده بازان اصفهان نام میبرد.

مجلسی اول مدعی جفر جامع و جفر ابیض بوده (۴) معترف است که (در جوانی کسی را دعوی این دانش نبوده بجز شیخ بهاءالدین)

#### مقام شیخ در علوم رسمی :

خصوصیت شیخ که شاید در میان دانشمندان جامع و ذی فنون کمتر دارای این خاصه اند اینست که در تمامت این علوم و فنون محقق و در حد اعلائی کمال بود تفریشی در نقدالرجال درباره وی مینویسد فی کل فنون الاسلام کمن له فن واحد. کتاب اربعین حدیثش نمونه ای از تبحر وی در این فن است چنانکه در فقه و تفسیر

۱ - عالم آراء - زندگانی شاه عباس تألیف آقای نصرالله فلسفی (ج ۳)

۲ - بعضی چنین گمان کرده اند که شیخ در فلسفه و کلام دستی نداشته. ولی این گمان بیجاست زیرا شیخ مکرر در کشکول بمسائل فلسفی و کلامی پرداخته و سخن ائمه فن را نقل و گاهی بنقد آن قلمفرسائی نموده. برای نمونه در صفحات ۲۵۲ و ۲۵۵ و ۲۷۴ و ۳۰۳ و ۳۴۱ کشکول (چاپ بیمنی) از حکمة الاشراق و تلویحات شیخ اشراق و شرح اشارات خواجه و محاکمات قطب الدین و تجرید و شرح جدید آن و شرح مواقف و مقاصد که مهمترین کتب حکمت و کلام است نقل شده.

۳ - رک: قصص العلماء تنکابنی

۴ - برای توضیح درباره این واژه به کتابهای مجمع البحرین (ضمن لغت جفر) و اعیان الشیعه (ج ۱) و الذریعه (ج ۵ ص ۱۱۸) مراجعه فرمائید.

نوشته‌هایش در کمال اتقان و تحقیق می‌باشد (۱) .

اما در فنون ریاضی کسی در آن عصر بی‌پای شیخ نمی‌رسیده و حتی ملامظفر و فاضل‌جواد که از اساتید فن اند افتخار تلمذوی را داشته‌اند از ممیزات کتب شیخ حلاوت بیان ویست که مقام ادبی شیخ سهم مهمی در این زمینه داشته .

### مقام ادبی شیخ :

اما جنبه ادبی شیخ در حد کمالست زیرا وی اصلاً عرب بوده و با اینهمه کتب ادب و دواوین کثیری از شعراء عرب و عجم را دیده و مدتها با ادبای دو فریق محاوره و مفاوضه داشته چنانکه در صرف، زمانی از عمر صرف کرده و مدتی بدین نحو در تعلیم نحو گذرانده و بمیراث پدری و عربیت خانوادگی اکتفا ننموده .

در فن انشاء و مقاله‌نویسی ماهر بوده. و در شعر فارسی و عربی شهره شهر و از حسن خط‌بای بهره نبوده .

در عالم آراء آمده: گرچه شعر و شاعری دون مراتب عالیه آنجناب است اما ذوق سخن‌پردازی بسیار دارند در شعر بهائی تخلص می‌کرده و در بیشتر فنون شعر طبع آزمائی نموده و بنیکی از عهده بر آمده چنانکه در قصیده و غزل و مثنوی و رباعی اشعاری در کشکول از وی بنظر می‌رسد .

قصیده‌ای را که در مدیحت ولی عصر (عج) سروده، شیخ ثمنی که خود از اهل ادب و پیرو مذهب سنت است شرح کرده و در ابتدا، ابیات چکامه‌را ستوده و بتمام ادبی شیخ اعتراف نموده .

مثنویات و غزلیات بهائی دارای شور و حالی است که با تعبیرات عرفانی و شاعرانه بطریق جامی و عراقی و در سبک عراقی سروده شده .

در اینجا مناسب است از شاعری دیگر که (بهائی) تخلص مینموده سخن گوئیم زیرا بعید نیست اشعاری از شاعر اخیر با اشعار شیخ خلط و اشتباه شده باشد.

۱ - حواشی شیخ بر تفسیر بیضاوی بهترین حواشی (کثیره‌ای) است که بر این کتاب نوشته شده چنانکه تفسیر عروۃ‌الوئقی نموداری از تبحر وی در این فن است .

حیل‌المتمین شیخ از بهترین و جامعترین کتب فقهی شیعه است که متأسفانه مقداری از بخت عبادات بیشتر نوشته نشده .

نامبرده میرزا بهائی پسر میرزا رضی شیرازی (بلند اقبال) است که در زمان فرصت‌الدوله (صاحب آثار عجم) میزیسته و در همین کتاب نامی از بلند اقبال و نمونه اشعار وی دیده‌میشود. چنانکه در ریحانة‌الادب اشعاری از میرزا بهائی نقل کرده .

باری، اشعار عربی شیخ‌را شیخ‌محمد رضا پسر محدث بزرگ شیخ حرعاملی جمع و تدوین نموده . و اما اشعار فارسی شیخ اخیراً توسط استاد نفیسی بضمیمه احوال وی تالیف و انتشار یافته و سپس دیگران نیز با کم و زیادی کار استاد را تکرار کرده اند .

### شاگردان شیخ :

شیخ با آنکه سفرهای متعددی کرده و مدتی نیز منصب حکومت شرعی و سمت شیخ‌الاسلامی داشته باز از تدوین و تالیف قصور نمیورزیده . البته معروفیت اشتهار و تبرزش در بعضی علوم سبب مهمی در تشویق و رغبت طالبین علم با استفاده از محضر وی و افتخار تلمذ او بوده .

چنانکه جمعی که براستی دل‌باخته کمالات شیخ بودند رنج سفر را بخود هموار نموده و در مصاحبت استاد از خرمن علم و ادب وی بهره میبردند ، و دیدیم که شیخ حسین عاملی کرکی یکی از همین مجدوبین کمال شیخ بوده که چهل‌سال در خدمت استاد (حضراً و سفرأ) استفاده مینمود .

اصولاً شیخ با موقعیتی که در دوران اخیر عمر خود احراز کرده بود هر کجا میرفت خاصه در بلاد ایران محضرش مجمع ارباب فضل و ادب بود، چنانکه مدتی که در مشهد توقف داشته

منزلش محفل ارباب کمال و مدرس طلاب علوم بوده (۱) در روزات مینویسد شاگردان شیخ در ایام تعطیل بیشتر از ایام درسی از او استفاده میکردند

زیرا استاد در این ایام از فنون علم و ادب و نوادر اشعار و اخبار و مفاوضات که با ذوق سرشار خود طی سفر و ضمن مطالعه کتب و سیر محاوره رجال علم و اثر اندوخته بود تشنگان وادی

معارف را سیراب میکرد (۲)

۱ - در عالم آراء آمده: (در پائین پای مبارک در منزلی که ایام اقامت مشهد مقدس مدرس شیخ بودند مدفون گشت)

۲ - بواسطه تطویل مقال از ذکر نام و خصوصیات شاگردان شیخ صرف نظر شد .

## تالیفات شیخ :

چنانکه یاد کردیم شیخ با همه گرفتاری از افاده و استفاده زمانی آرام نداشته لذا بتالیف و تصنیف کتب نافیعی در فنون مختلفه موفق گشته . قسمتی از این تالیفات در سفر و حتی در سفرهاییکه ملازم شاه عباس بوده صورت گرفتند چنانکه: مفتاح الفلاح را در گنجه طی سفری که شاه عباس برای استرداد آذربایجان و قفقاز (از عثمانیها) نمود بیابان رسانید (۲۰۱)



مقبره شیخ بهائی مرکز تعالیم و تاهریس است (حجت الاسلام ادیب نیشابوری مشغول تدریس هستند)

## اخلاق شیخ :

شیخ از چندین جهت دارای اخلاقی ممتاز و مخصوص بوده :

۱ - از نظر اعتدال و عدم افراط در عقاید و تعصبات ناروا که نموداری از این رویه است در کشکول بنظر میرسد . شیخ در این مجموعه همه گونه مطالب از هر فریق نقل نموده و نام

۱ - محدث قمی در فوائد الرضویه جلد ۲ صفحه ۵۰۸ کرامتی از شیخ راجع بدین کتاب نقل میکند .  
 ۲ - نام تالیفات شیخ را در روضات الجنات و فوائد الرضویه و ریحانة الادب و شروح و حواشی بر آنها را در الغدیر جلد ۱۱ والذریعه ببیند (در اینجا اختصاراً حذف شد).

آنان را با عظمت و احترام یاد کرده . و با آنکه تخصص وی در علوم نقلی (فقه و حدیث) بود و در زمان وی فرقه اخباریان شیعه اکثریت علماء را تشکیل میداده اند ، از تعرض مطالب عقلی آنهم با تبجیل و تعظیم بزرگان فن باکی نداشته .

مهمتر اینکه از کتب مشایخ اهل سنت بکثرت نقل کلام کرده و حتی با مقام شامخ خود در عملیات و مناصب ظاهری از تلمذ و شاگردی علمای سنی اعراض نمی کرده چنانکه مدتی در مصر از محضر استاد بکری رسماً استفاده کرده (۱) و صحیح بخاری را نزدش قرائت و از وی مجاز گشته .

بالاخر این که حتی در نزد کسانی که وی را بزرگترین دانشمندان عصر می پنداشتند شاگردی خود را نزد مخالف و موافق مخفی نمی ساخته و سخن بر طبق دلخواه مستمعان نمی پرداخت .  
 ۲ - جنبه تواضع و فروتنی شیخ است که با مکتب علمی و شخصیت اجتماعی و مصاحبت اعیان زمان از نشست و برخاست با جمعی طلبه نه تنها اعراضی نداشت بلکه بر مجالست رجال و اعیان ترجیح میداد . حتی گاهی لباس فقر و درویشی بر میکرده و در ساحت آنرا سفر مینموده و خود بر این معنی مباحثات میفرموده چنانکه در کشکول گوید :

انا الفقیرا لمعنی ذورقة و حنین للناس طرا خدوم اذا هم استخدمونی الخ

نیز در بزرگداشت اهل علم و تقوی (تا آنجا که موجب اعجاب همگان و اذعان مخالفان میشد) فروگذاری نمیکرد چنانکه زمانی ملا عبدالله شریعتی که از زهاد زمان بوده بمنزل شیخ و بیدار وی میروند هنگام نماز فرا میرسد شیخ بمولانا پیشنهاد میکند که ما را بقیض جماعت نائل فرما و بر این امر اصرار میفرماید (۲)

۳ - سعه صدر شیخ و تحمل طعن مخالفین که خواه ناخواه هر بزرگی که بجاه و عنصوان بر دیگران تفوق داشته از آن مصون نمانده . خاصه با درویش مسلکی شیخ و بزرگداشت عرفا و نقل کلام آنان که قهراً مورد اعتراض جمله ای از اخباریین و قشربیین واقع میشده ، منتهی چون شیخ بخود بستگی نداشته و با نهایت تواضع بهمگان احترام میگذاشته از سورت این معنی میکاسته و با این همه ازدق و طعن پاره ای مصون نمانده چنانکه از جوابی که بنامه بعضی معاصران

۱ - در کشکول از وی بدینسان نام می برد من کلام الاسناد الاعظم الشیخ محمد البکری الصدیقی خلادت ایام افاداته وهو مما کتبه عنه بصیر الحروسه . سنه ۹۹۲ در قمید . ای بشیخ عمر شیخ الاسلام و مفتی بیت المقدس چنین مینویسد : یا ایها المولی الذی قد عذافی الخلق و الخلق عذیبم المثال ... یاساده فاقوا لوری عبدکسم احقر من ان تخطروه بیال .

۲ - خاتمة مستدرک .

داده بخوبی این مطلب مشهود است (۱) .

درجائی از کشکول گوید : «ثم لم يجعل لي من الاختلاط باهل الدنيا الا القليل والقيل و النزاع والجدال وآل الامرالي ان تصدى لمعارضتي كل جاهل وجسر علي مباراتي كل خامل» .  
با اینهمه در مطاوی کتب شیخ نام کسی یزشتی برده نشده و حتی از کسی گلایه و شکایتی مشهود نیست و حتی فرقه و جمعی مورد مدح شیخ قرار نگرفته . خلاصه زبان قلمش جز بخیر جاری نگشته .

۴ - گوشه دیگری که سزاوار است از چهره زندگی شیخ باز نمایم مقام زهد و اعراض شیخ از زخارف و عناوین دنیوی است که خود بطبع و اختیار خویش از منصب شیخ الاسلامی اصفهان (که با موقعیت و مرکزیت علمی این شهر) بزرگترین مقام علمی و ریاست مذهبی بوده دست شسته و زمانی در لباس فقر و درویشی و بزهد و گوشه گیری بسر میبرده و احیانا که با ابناء زمان و رجال ملک و دولت خلط و آمیزش داشته فقط از نظر ضرورت و بقصد کار گشائی و تعدیل و جلوگیری لجام گسیختگی و خودکامی ارباب مناصب بوده. ولی تلویحا و تصریحا در نقد مقام و منصب پرداخته و آرزوی فقر و فنا میکرده چنانکه در جائی گوید :

العزلة عن الخلق هي الطريق الاقوام الاسد..... فطوبى لمن لا يعرفونه بشئ من الفضائل والمزايا فانه سالم من آلام والرزايا ....

در جائی دیگر فرماید (عليك بالعزلة عن الخلق و الاتزوا ....)

و دیگر نمونه ها که فراوان در کشکول آمده و خود شاهد صدقی است که شیخ دل بردنیا نداشته و پای از علائق گسسته و از چرب و شیرین روزگار و فرزندان وی بیزاری داشته و همان بود که خود گفته :

از کتان و سمسور بیزارم	باز میل قلندری دارم
تکیه بر خوابگاه نقش بس است	بر تم نقش بوریا هوس است
دلم از قیل و قال گشته ملول	ای خوشا خرقة و خوشا کشکول

کوتاه سخن آنکه شیخ حقا مردی وارسته بوده و با همه فضائل خود را بهیچ میسرده و همیشه بر بی برگی نهال عمر حدیث نفس میکرده و مکرر از اینکه در زندان علائق گرفتار گشته ورشته آن کمالات (که پدرانش بدان پیوسته بودند) از دست هشته تاسف می خورد .

۴ - خصیصه دیگر شیخ خدمتگزاری و دستگیری وی است که از بذل علم و انفاق مال و خدمت بخلق کوتاهی نداشته و با همه جاه و مقام با روی گشاده از ارباب حوائج استقبال میکرده و آستانه منزلش پناه مستمندان و درون خانه اش پرورشگاه ایتمام بوده .  
 حاجی نوری در مستدرک گوید: کانت لمدار مشیدة البناء رحبة الغناء یلجاء الیها الایتام والارامل ویغد واعلیها الراجی والامل. فکم مهد بها وضع وکم طفل فیها رضع و هو یقوم بنفقتهم بکرة وعشیا ویوسعهم من جاهه خبایا معشیا .



روی مسلم و الترمذی و النسائی و النسائی (رض) باسانیدهم عن زربن حبیش قال سمعت علیاً (ع) یقول والذی فلق الحبة وبرأ النسمة انه لعهد النبی (ص) الامی الی انه لایحبنی الامؤمن ولا یبغضنی الا فاسق ، (منافق) .

(مطالب السؤل ص ۱۷)

مسلم و ترمذی و نسائی باسانید خود از «زربن حبیش» روایت کرده اند که وی گفت امیرالمومنین علی (ع) میفرمود: بذات اقدسیکه دانه هارا بشکافت و باد و نسیم لطیف را بجنبش درآورد سوگند، که عهد و پیمان پیامبر امی (ص) با من چنینست که بجز مومن کسی مرا دوست نمیدارد و بجز فاسق (یا منافق) کسی مرا دشمن نخواهد داشت .